

وظایف جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی

این سخنرانی نخستین بار در چهارمین کنفرانس زنان کارگر غیرحزبی شهر مسکو، در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۹ ایراد شده است.^۱

رفقا، موجب مسرت من است که به کنفرانس زنان کارگر خوش آمد گویم. به خود اجازه می‌دهم که از موضوعات و مسائلی چشم‌پوشم که البته، در این لحظه مورد علاقه شدید هر زن کارگر و هر فرد آگاه سیاسی از توده کارگر می‌باشند. اینها از میرم‌ترین مسایل اند- مسأله نان و وضع جنگ. من از گزارش‌های جلسات شما به وسیله روزنامه اطلاع پیدا کردم که این مسائل توسط رفیق «تروتسکی»- تا جایی که به مسأله جنگ ربط دارد- و توسط رفقا «یاکولوا» و «سویدرسکی»- تا آنجا که به مسأله نان ربط پیدا می‌کند- بسیار مشروح شکافته شده‌اند. بنابر این، خواهش می‌کنم به من اجازه دهید از چنین مسائلی چشم‌پوشم.

میل دارم چند کلمه‌ای درباره وظایف عمومی که جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی با آنها روبروست سخن بگویم. آنهایی که بطور عام به‌گذار به سوسیالیزم ربط پیدا می‌کنند، و آنهایی که در زمان حاضر فوریت خاصی دارند

^۱ - نخستین بار این مقاله در روزنامه «پراودا» شماره ۲۱۳ مورخه ی ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۹

به چاپ رسید. (کلیات لنین- جلد ۳۰)

رفقا، مسئله موقعیت زنان از همان ابتدا توسط قدرت شوروی عنوان شده بود. به نظر من چنین می آید که هر دولت کارگری در سیر گذر به سوسیالیزم با وظیفه دوگانه ای روبروست. بخش اول این وظیفه نسبتاً ساده و آسان است. این به قوانین کهنه که زنان را در موقعیت نابرابری در مقایسه با مردان نگاه می داشت، مربوط است.

شرکت کنندگان در جنبش های رهایی بخش در اروپای غربی از مدت های مدید نه از دهه ها بلکه از قرن ها پیش، این مطالبه را پیش کشیدند که این قوانین منسوخ، لغو شده و زنان با مردان قانوناً برابر شوند، ولی هیچیک از دولت های دمکراتیک اروپایی و هیچیک از جمهوری های پیشرفته موفق به اجرای آن نشده اند، چون هر کجا سرمایه داری است، هر کجا مالکیت خصوصی زمین و کارخانه ها است، هر کجا قدرت سرمایه حفظ می شود، مردان امتیازات خود را حفظ می کنند. در روسیه اجرای آن ممکن شد چون از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ قدرت کارگران مستقر شده بود.

دولت شوروی از همان وهله اول به منظور استقرار قدرت زحمتکشان، یعنی دشمن همه اشکال استثمار، به وجود آمد؛ و موقوف نمودن هر نوع امکان استثمار افراد کارگر توسط ملاکین و سرمایه داران، و موقوف نمودن سلطه سرمایه را وظیفه خود تعیین کرد. قدرت شوروی کوشش کرده است که زحمتکشان بتوانند اداره زندگی شان را- بدون مالکیت خصوصی بر زمین، بدون مالکیت خصوصی در کارخانه ها، بدون آن مالکیت خصوصی که در هر کجا- در تمام دنیا، حتی در جائیکه آزادی کامل سیاسی وجود دارد، حتی در دموکراتیک ترین جمهوری ها- زحمتکشان را در موقعیتی نگاه می دارد که حقیقتاً فقر، بردگی مزدی و بردگی مضاعف وجود دارد- امکان پذیر سازند.

قدرت شوروی یعنی قدرت زحمتکشان در ماه های اول هستی اش انقلاب مسلمی در تدوین قانون که مربوط به زنان بود انجام داد. هیچ یک از آن قوانینی که در جمهوری شوروی باقی مانده اند زنان را در موقعیت پائین تر قرار نمی دهد. من

بخصوص راجع به قوانینی صحبت می‌کنم که از موقعیت ضعیف تر زنان سوء استفاده نموده و آنها را در موقعیتی نابرابر و اغلب حتی، در موقعیتی تحقیرآمیز قرار می‌داد، یعنی قوانین طلاق و بچه‌های متولد خارج از ازدواج (غیر حلال زاده) و حق یک زن در مورد شکایت از پدر بچه در مورد نفقه. بخصوص در چنین محیطی که باید گفت حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، قوانین بورژوایی از موقعیت ضعیف تر زنان، برای تحقیر آنها سوء استفاده نموده و به آنان موقعیت اجتماعی نابرابری می‌دهد. به خصوص در چنین محیطی بود که قدرت شوروی هیچیک از قوانین کهنه و ناحق را که برای زحمتکشان تحمل‌ناپذیر بودند، باقی نگذارده است.

ما اکنون ممکن است با افتخار و بدون اغراق بگوییم که به غیر از روسیه شوروی هیچ کشوری در دنیا نیست که در آن زنان از تساوی کامل برخوردار باشند و زنان را در موقعیتی تحقیرآمیز که به ویژه در زندگی روزانه خانوادگی احساس می‌شود قرار بدهد. این یکی از اولین و مهمترین وظایف ما است.

اگر برای شما فرصتی دست بدهد تا با احزابی که دشمن بلشویک‌ها هستند برخورد کنید، اگر روزنامه‌هایی که به روسی در مناطق اشغال شده توسط «کولچاک» یا «دنبکین» منتشر می‌شود، به دست تان برسد، یا اگر اتفاقاً با مردمی صحبت کنید که در نظرات آن روزنامه‌ها سهم اند، اغلب ممکن است از آنها این تهمت را بشنوید که قدرت شوروی دموکراسی را نقص کرده است.

ما، نمایندگان قدرت شوروی، کمونیست‌های بلشویک و پشتیبانان قدرت شوروی، اغلب متهم به نقص دموکراسی می‌شویم و به عنوان دلیل این حقیقت ذکر می‌شود که قدرت مجلس مؤسسان^۲ را منحل کرده است. ما معمولاً چنین اتهامی را به طریق

^۲ - مجلس مؤسسان از طرف حکومت شوروی در ۵ ژانویه ۱۹۱۸ افتتاح شد. انتخابات برای مجلس مؤسسان عمدتاً قبل از انقلاب سوسیالیستی اکتبر انجام شده بود و ترکیب آن بازتاب مرحله آخر سیر جریانات کشور بود. یعنی زمانی که قدرت دولتی در دست منشویک‌ها، سوسیال رولوسیونرها و کانسٹیوتوسیونال-دمکرات‌ها بود. شکاف وسیعی بود بین خواست

ذیل جواب می دهیم: که آن دموکراسی و آن مجلس مؤسسان زمانی بوجود آمد که هنوز مالکیت خصوصی در زمین موجود بود، زمانی که مساوت بین مردم وجود نداشت زمانی که کسی که سرمایه ای در اختیار داشت، رئیس می شد و سایرین برای او کار می کردند و بردگان مزدبگیرش بودند. آن دموکراسی بود که ما ارزشی برایش قایل نیستیم. چنین دموکراسی بردگی را حتی در پیشرفته ترین کشورها پنهان می نمود. ما سوسیالیست ها تنها تا جایی پشتیبان دموکراسی هستیم که وضع زحمتکشان و ستمدیگان را آسان می سازد. در تمام دنیا سوسیالیسم، مبارزه با هر نوع استثمار انسان از انسان را و وظیفه خود قرار داده است. چنان دموکراسی که در خدمت استثمار شوندگان و زیردستان باشد برای ما ارزش واقعی دارد. اگر کسانی که کار نمی کنند بی مزیت (دارای حق رأی) گردند، آنگاه مساوات حقیقی بین مردم حکمفرما است. کسانی که کار نمی کنند نباید بخورند. ما در جواب به این اتهامات می گوئیم که سوال باید به این طریق مطرح شود. چگونه دموکراسی در کشورهای مختلف اجرا می شود؟ می بینیم که مساوات در همه جمهوری های دموکراتیک اعلام می شود، اما در قوانین مدنی و در قوانین حقوقی زنان، مربوط به موقعیت آنها در خانواده و طلاق، عدم تساوی و تحقیر زنان را در هر گام مشاهده می کنیم، و می گوئیم این نقص دموکراسی به خصوص در رابطه با ستمدیگان است. قدرت شوروی، دموکراسی را

اکثریت وسیع مردم، که خود را در استقرار قدرت شوروی و فرمان هایش بیان می کرد، و مشی ای که از طرف بخش سوسیال رولوسیونرها، منشویک ها و ... مجلس مؤسسان، که بیانگر منافع بورژوازی و کولاک ها بودند، اعمال می شد. مجلس زیر بار بحث درباره "اعلام حقوق خلق زحمتکش و استثمار شده" که از طرف بلشویک ها پیش کشیده شده بود و تأیید فرمان ها در مورد صلح و زمین، و فرمان تقویض قدرت دولتی به شوراها، که در کنگره دوم شوراها تصویب شده بود، نرفت. پس از این که بلشویک ها مواضع خود را اعلام داشتند، آنها از مجلس مؤسسان که دشمنی خود را به وضوح به منافع واقعی زحمتکشان نشان داده بود، بیرون رفتند. در ۷ ژانویه ۱۹۱۸، مجلس مؤسسان به فرمان کمیته اجرایی مرکزی سراسری منحل شد.

به درجه بالاتری از هر یک از پیشرفته‌ترین کشورهای دیگر اجرا نموده است، زیرا در قوانین اش هیچ اثری از عدم مساوات زنان باقی نگذارده است. دوباره من می‌گویم که هیچ دولت دیگری و هیچ (مجلس) قانون‌گذاری دیگری نصف آن چه قدرت شوروی برای زنان در ماه‌های اولیه موجودیش عملی کرده، انجام نداده است.

البته، قوانین به تنهایی کافی نیستند، و ما به هیچوجه قانع به مصوبات محض نیستیم. چنان‌که در حوزه‌ی تدوین قوانین هر چیزی که از ما خواسته شده تا زنان را در موقعیت تساوی حقوق قرار دهد، انجام داده ایم و ما حق داریم به آن ببالیم. هم اکنون موقعیت زنان در روسیه شوروی در مقایسه با موقعیت آنها در پیشرفته‌ترین دولت‌ها، ایده‌آل است. هر چند، ما به خود می‌گوییم، که البته این تنها اول کار است. زن به خاطر کارش در منزل، هنوز در موقعیت مشکلی قرار دارد. برای اجرای کامل رهایش و برابری او با مرد لازم است که خانه‌داری به صورت سوسیالیزه در آید و زنان در کار مولد عمومی شرکت نمایند. سپس زنان موقعیتی همانند مردان اشغال خواهند کرد. البته، ما از تساوی زن و مرد تا آنجا به بارآوری کار، مقدار کار، مدت کار روزانه به شرایط کار، و غیره مربوط می‌شود صحبت نمی‌کنیم. منظور ما این است که زن و همچنین مرد، نیابستی به خاطر موقعیت اقتصادی مورد ستم قرار گیرد. همه شما می‌دانید حتی زمانی که زنان حقوق کامل دارند، به دلیل آن که همه خانه‌داری به آنها محول شده، هنوز زیردست باقی می‌مانند. در اکثر موارد، خانه‌داری غیر مولدترین، بیرحمانه‌ترین و شاق‌ترین کاریست که یک زن می‌توان انجام دهد، (و آن) به نحوی غیرعادی و پیش پا افتاده است و چیزی در بر ندارد جز این که پیشرفت زن در ارتقاء بخشد.

ما با پافشاری بر روی ایده‌آلی سوسیالیستی می‌خواهیم برای اجرای کامل سوسیالیزم مبارزه کنیم، و در اینجا میدان کار وسیعی در برابر زنان باز است. ما اکنون در تهیه تدارکات جدی به منظور هموار ساختن زمینه برای ساختمان سوسیالیزم هستیم، اما ساختمان سوسیالیزم تنها زمانی شروع خواهد شد که ما

تساوی کامل (حقوق) زنان را کسب نموده و همراه با زنانی که از آن کار جزئی، بی اثر و غیرمولد رهایی یافته اند کار جدید را به عهده بگیریم. این کاریست که سال های سال به طول خواهد انجامید. چنین کاری نمی تواند نتایج فوری نشان دهد و اثر جرقه مانندی تولید نخواهند نمود.

ما مؤسسات نمونه، اماکن غذاخوری و شیرخوارگاه هانی که زن را از خانه داری رها سازد دایر می نمایم. و کار تشکیلاتی این مؤسسات عمدتاً به دوش زنان خواهد افتاد. باید اذعان کرد که امروزه در روسیه مؤسسات خیلی کمی هستند که به زن برای خروج از وضع بردگی خانگی اش کمک کنند. تعداد ناچیزی از آنها موجود است، و شرایطی که اکنون در جمهوری شوروی وجود دارد- جنگ و وضع غذا که در این مورد رفقا قبلاً تفضیل آن را گزارش داده اند- مانع ما در این کار است. معهدا باید بگویم چنین مؤسساتی که زنان را از موقعیت شان به عنوان بردگان خانه دار آزاد می نماید، در هر کجا که طریقی امکاتی وجود دارد، پدیدار می گردند.

ما می گوییم که رهایی کارگران باید توسط خود کارگران اجرا شود، و دقیقاً به همان طریق رهایی زنان کارگر امریست برای خود زنان کارگر. زنان کارگر باید خودشان شاهد توسعه چنین مؤسساتی باشند، و این فعالیت تغییر کاملی در وضع شان با مقایسه با آن چه تحت جامعه سرمایه داری کهن بود، موجود خواهد آورد.

تحت سیستم کهن سرمایه داری، به منظور فعالیت سیاسی، نیاز به تربیت خاصی بود. بنابراین حتی در پیشرفته ترین و آزادترین کشورهای سرمایه داری، زنان نقش جزئی در سیاست بازی می کردند. وظیفه ما این است که سیاست را در دسترس هر کارگر زنی قرار دهیم. از زمانی که مالکیت خصوصی زمین و کارخانه ها ملغی شده و قدرت ملاکین و سرمایه داران سرنگون گردیده، وظایف سیاست، برای زحمتکشان بطورکلی، و بخصوص زنان کارگر نیز ساده، واضح و قابل فهم شده است. در جامعه سرمایه داری وضع زن با چنان عدم تساوی مشخص شده که شرکت او در سیاست نسبت به شرکت مرد خیلی ناچیز است. لازم است قدرت زحمتکشان برای تحولی در

این زمینه به کار افتد، چون بعداً وظایف اصلی سیاست از مفادی تشکیل خواهد شد که مستقیماً بر سرنوشت خود زحمتکشان اثر می گذارد.

در اینجا نیز شرکت زنان کارگر- نه تنها زنان عضو حزب و زنان آگاه سیاسی، بلکه زنان غیر عضو و نیز کسانی که کمترین آگاهی سیاسی را دارند- ضروریست. در اینجا قدرت شوروی میدان وسیعی از فعالیت ها را به روی زنان کارگر می گشاید. ما دوره مشکلی در مبارزه بر علیه نیروهای دشمن روسیه شوروی که به او حمله کرده اند، داشته ایم. این برای ما مشکل بود که هم در صحنه نبرد بر علیه نیروهایی که به ضد قدرت زحمتکشان به جنگ آمده بودند و هم در زمینه مواد غذایی بر علیه سوداگران پیکار کنیم، زیرا تعداد زحمتکشانی که از صمیم قلب با نیروی کار خودشان به کمک ما آمده بودند بسیار کم بود. در اینجا نیز برای قدرت شوروی، چیزی به اندازه کمک توده های زنان کارگر غیرحزبی با ارزش نیست. آنها شاید بدانند که در جامعه کهنه بورژوازی برای شرکت در سیاست، به آموزش پیچیده ای نیاز بود که در دسترس زنان قرار نداشت. فعالیت سیاسی جمهوری شوروی، عمدتاً مبارزه بر علیه ملاکان و سرمایه داران و مبارزه برای محو کردن استثمار است. بنابراین در جمهوری شوروی، فعالیت های سیاسی در دسترس کارگران قرار گرفته است و عبارت از این است که کارگران زن قدرت تشکیلاتش را برای کمک به کارگر مرد به کار ببرد.

آنچه ما نیاز داریم تنها کار تشکیلاتی در مقیاسی که میلیون ها تن را شرکت دهد نیست، ما به کار تشکیلاتی در کوچکترین مقیاس نیز نیازمندیم و این برای زنان امکان کار را نیز فراهم می کند. زنان در شرایط جنگ، آن گاه که مسئله کمک به ارتش یا اجرای آغالشگری و تهیج در ارتش است می توانند کار کنند. زنان باید نقش فعالی در تمام اینها به عهده بگیرند تا ارتش سرخ ببیند که مواظبش هستند، و در مورد آن ابراز نگرانی می شود. زنان همچنین می توانند در زمینه توزیع غذا در

بهبودی غذا رسانی عمومی کار کنند و در همه جا اماکن غذاخوری مشابه آن چه در پتروگراد آن چنان زیاد است، باز کنند.

در چنین زمینه هایی است که فعالیت های زنان کارگر بزرگترین اهمیت تشکیلاتی را بدست می آورد. شرکت زنان کارگر نیز در تشکیلات و اداره مزارع بزرگ آزمایشی ضروری است تا این وظیفه ای برای چند فرد نباشد. این چیزی است که بدون شرکت تعداد کثیری از زنان کارگر، نمی تواند اجرا گردد. زنان کارگر در زمینه ی نظارت بر توزیع غذا و تهیه راحت تر مواد غذایی، بسیار مفید خواهند بود. این کار می تواند به خوبی توسط زنان کارگر غیر حزبی انجام پذیرد و انجام آن بیشتر از هر چیز دیگری جامعه سوسیالیستی را استحکام خواهد بخشید. ما مالکیت خصوصی زمین و تقریباً بطور کامل مالکیت خصوصی کارخانه ها را لغو کرده ایم، قدرت شوروی اکنون کوشش می کند تا همه زحمتکشان، چه اعضا حزبی و چه غیرحزبی، چه زن و چه مرد، در این توسعه اقتصادی شرکت جویند. کاری که قدرت شوروی شروع نموده تنها زمانی می تواند پیشرفت کند که به جای صدها نفر، میلیون ها و میلیون ها زن در سراسر روسیه در آن شرکت نمایند. ما مطمئن هستیم آن گاه امر انکشاف سوسیالیزم استوار خواهد شد. آنگاه زحمتکشان نشان خواهند داد که آنها بدون کمک مالکان و سرمایه داران می توانند زندگی کنند و کشورشان را اداره نمایند. آنگاه ساختمان سوسیالیستی بر چنان پایه استواری در روسیه قرار خواهد گرفت که هیچ دشمنی خارجی در سایر کشورها و [هیچ دشمنی] در داخل روسیه خطری برای جمهوری شوروی نخواهد بود.

ننین